

کتابخانه

۷

صند

مجله علمی شعر

پایه علمی

# حجاب دفاع از عشق

گفتاری از  
دکتر رحیم پور ازغدی  
پیرامون مسئله حجاب



صحبفه ۷۵: صدف ۷: بهار ۱۴۰۵

### حجاب، دفاع از عشق (۲)

گفتاری از دکتر رحیم پور ازغدی پیرامون مسئله حجاب  
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

به کوشش: هادی مرادی فرهمند

طراح جلد: علی ناصری

صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۲۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



نشر هیات امروز

#### انتشارات هیأت امروز

پایگاه اطلاع‌رسانی: heyatemrooz.ir

شبکه‌های اجتماعی: @heyatemrooz\_ir

رایانامه: info@1542.org



#### جامعه ایمانی مشعر

قم - کد پستی:

۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷

سامانه پیامک:

۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی:

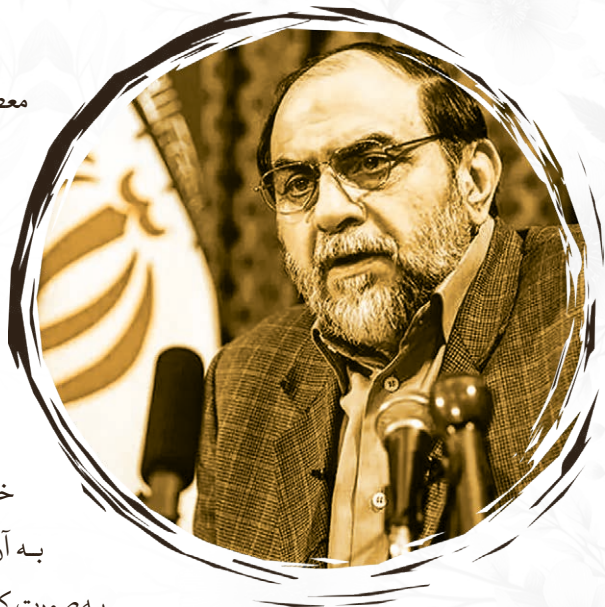
www.1542.org

# بسم رب العلم

## مقدمه

گفت‌وگو و ارائه نظرهای بنیادین پیرامون مسائل مختلف جامعه، از مهم‌ترین نیازهای اساسی مردم، به ویژه جوانان و نخبگان به شمار می‌رود تا علاوه بر حل مسائل نظری، اقتناع افکار عمومی را نیز در برگیرد. مسئله حجاب در اوضاع کنونی جامعه ایران، جزو همان مسائل بسیار مهمی است که چالش‌های متعددی را برای جامعه به دنبال داشته است و پمپاژ رسانه‌های مخالف این حکم الهی و قانونی، بر آتش این چالش و التهاب جامعه دامن زده است؛ لذا ضروری است که صاحب‌نظران و اهل علم در حوزه عفاف و حجاب با مردم و گرد محفل بنشینند و نقد و نظرات مختلف را بشنوند و به صورت مستدل و اقناعی پاسخ گویند. هر چند این قبیل گفت‌وگوها قبل از آنکه کشور دچار مشکل شود باید صورت می‌گرفت تا هزینه‌های احتمالی بر کشور متحمل نشود؛ اما زمان بروز مشکل، این گفت‌و شنود ضرورت مضاعف پیدا می‌کند.

معضل پوشش نامناسب و اخلاق جنسی در جامعه جزو مهم‌ترین مسائلی است که نه فقط زمان حاضر، بلکه سبقه‌ای تاریخی داشته و تمدن نابودشده اندلس را پیش روی ما گذاشته است. این نوشتار نیز به دنبال همین دغدغه، برگرفته از سخنان استاد رحیم‌پور ازغدی، پیرامون فلسفه حجاب است که خوانندگان عزیز را به تأمل و تفکر بیشتر نسبت به آن متذکر می‌دارد تا ابعاد ریزودرشت حجاب به صورت کامل روشن گردد. این شماره از صحیفه صدف در کنار شماره قبلی، پاسخگوی بسیاری از سؤالات پیرامون این حوزه خواهد بود و از همین جهت، بر تمامی دغدغه‌مندان حوزه فرهنگ و سبک زندگی اسلامی لازم است تا افکار، زبان و قلم‌های خود را برای دفاع از کیان اسلام به کار برند.



## مسئله‌شناسی

طبیعتاً مفاهیم اسلامی از احکام فرعی شروع نمی‌شوند و تمامی آنها، جزئی از یک پروژه بزرگ به شمار می‌آیند. یکی از مهم‌ترین اجزای این پروژه، حوزه اخلاق جنسی، رفتار جنسی، حقوق جنسی و وظایف جنسی است که هر یک از آنها نیز به نوبه خود، چندین مؤلفه دارند. یک بخش آن مربوط به خانواده و حفظ خانواده است. یک بخش آن مربوط به ارضای نیازهای طبیعی جنسی و عاطفی دختر و پسر است. یک بخش آن راجع به تعادل در رفتار اجتماعی و بخش دیگر آن، در حوزه تعلیم و تربیت است.

مسئله حجاب، در حوزه‌های مختلفی تعریف می‌شود که هر یک ارتباط [مستقیم و غیرمستقیم] با یکدیگر دارند. یکی از این مسائل [که در این مقال، بیشتر بدان می‌پردازیم] مسئله اخلاق جنسی است و این مسئله‌ای فوق‌العاده مهم است. اشتباه می‌کنند کسانی که می‌گویند راجع به مسائل جنسی و شهوت و امثال آن نباید سخن گفت! این مسئله، واقعیت بسیار مهمی است که به خلقت و نعمت بزرگ الهی بازمی‌گردد. خداوند متعال، انسان را با شهوت آفریده و این نعمت را به وی ارزانی داشته است. این خلقت به‌گونه‌ای است که مردان [به‌صورت غریزی] میل به جنس مخالف خود داشته باشند؛ حتی اگر پیر هم شده باشند باز هم چشمانشان به دنبال زنان و دختران است؛ جز کسانی که تقوای جنسی را رعایت کرده و تربیت شده باشند. هنگامی که قرآن کریم در رابطه با مسئله حجاب دستور به [حفظ چشمان و] پوشش خانم‌های جوان و زیبا - که جذابیت طبیعی دارند - می‌دهد، در مقابل نیز برای مردها، دستور به حفظ چشمان می‌دهد تا مراقبت کنند. البته جز در مورد پیرزن‌ها که به دلیل عدم جذابیت و کهنلت سن، حجاب را [به شرط آن‌که در برابر مردم خودآرایی نکنند] برای آنان به اندازه بقیه واجب نمی‌داند.

همگان از ابتدای بلوغ جنسی می‌دانند و درک می‌کنند که نگاه انسان‌ها به دیگران، یکنواخت نیست؛ نگاه خواهر و برادری، نگاه دوستانه، نگاه رحمت، نگاه محبت، نگاه عاطفه، نگاه علاقه، نگاه کینه، نگاه حسادت، نگاه توهین و تحقیر، نگاه تنفر. در این میان، نگاه جنسی و شهوت هم جزو ده‌ها نگاهی است که انسان‌ها به یکدیگر دارند که البته باید کنترل و مدیریت گردد. پس اصل مسئله آن است که چیزی به اسم شهوت و جذابیت جنسی وجود دارد که باید مراقب آن بود. در غیر این صورت، بزرگ‌ترین قربانی، خود زن خواهد بود و تبدیل به ابزار جنسی برای افراد ناپاک خواهد شد. تزلزل بنیان خانواده، نداشتن تعلق خاطر میان زن و شوهر و بی‌اعتمادی به یکدیگر، از مهم‌ترین پیامدهای بی‌حجابی در جامعه است که مهم‌ترین رکن جامعه یعنی خانواده را با نابودی مواجه خواهد ساخت؛ چیزی که اکنون غرب آن را تجربه کرده است.

مسئله حجاب، امروزه مسئله جدیدی نیست. سؤالات و شبهاتی که امروزه در مورد مقوله حجاب وجود دارد، عیناً سؤالات و شبهاتی هستند که در گذشته و حتی در صدر اسلام مطرح می‌شد و امروزه و حتی در سال‌های آینده نیز بیان می‌شود. البته مطرح شدن آن خوب است تا ابعاد آن با منطق و روش درست روشن‌تر گردد. همگان نسل به نسل باید آگاهی‌های لازم در خصوص مسئله حجاب را کسب نمایند تا دیگر جای هیچ شبهه و سوء تفاهمی در رابطه با آن وجود نداشته باشد.



## نگاه فرادینی به حجاب

زمانی که از دلایل فرادینی سخن به میان می‌آید، نباید ذهن را به سوی دلایل غیردینی و یا ضددینی متبادر ساخت. زمانی که دین، چیزی را واجب بداند و دیگری آن را واجب نداند، نگاهی غیردینی و یا ضددینی خواهد بود؛ نه فرادینی. مباحث فرادینی به مباحثی گفته می‌شود که با استدلال و برهان قطعی عقلی بیان شود و قبل از آنکه بحث دین به میان آید، به نقطه مشترکی با افراد غیرمتدین برسد و موضوعی را به اثبات برساند. یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های دین اسلام (به‌ویژه تشیع) و مسیحیت در آن است که مسیحیت، برخی مسائل را دینی و برخی دیگر را عقلی می‌داند؛ حال آنکه از نظر اسلام، برخی مباحث از طریق عقل و برخی دیگر از طریق نقل اثبات می‌شوند. اسلام، عقل را جزئی از دین و حجت خداوند به شمار می‌آورد و آن را در کنار نقل می‌نشانند. به بیان دیگر، اگر عقل چیزی را اثبات کرد، قطعاً دینی خواهد بود.

[اکنون اگر به مقوله حجاب از منظر فرادینی (برهان قطعی عقلی) توجه شود، مشخص می‌شود که نگاه دین به حجاب، تنها به دستورات صادرشده از سوی آیات و روایات محدود نمی‌شود و همان‌گونه که بیان شد، عقل نیز به عنوان منبع و ابزار محکم اسلام برای اثبات فلسفه احکام خود، بر روی آن صحّه خواهد گذاشت. از این رو، در این بخش برای اثبات عقلی ضرورت حجاب در جامعه، تجربه یک جامعه غربی (انگلستان) را از نظر می‌گذرانیم تا مشخص شود راه طی شده برهنگی جامعه، آن‌ها را به چه نقطه‌ای رسانده است.]

پس از تشکیل «وزارت تنهایی» در کشور انگلستان [برای بسیاری سؤال شده که دلیل تشکیل چنین وزارتی در کشور متمدنی به نام انگلستان چیست؟!] چیزی که سال‌ها توسط کمیسیون‌های هردو حزب انگلستان و دانشگاه‌ها بررسی شده و باعث شده تا اقدام به تأسیس چنین وزارتی کنند، رسیدن جامعه به نقطه‌ای به نام [انزوا]، تنهایی و خودکشی بحرانی است [که آینده نه‌چندان دور جامعه را با خطر نابودی مواجه می‌سازد]. علت این بحران را نه اینکه اعتقاد به خدا، آخرت، اخلاق، حفظ خانواده و... بدانند؛ بلکه [با نگاهی مادی] وابسته به علتی دانسته‌اند که بیش از چاقی، سیگار و حتی مواد مخدر به جامعه زیان زده و آسیب‌های اقتصادی را نیز به دنبال

داشته است؛ به گونه‌ای که سالیانه ۳۲ میلیارد پوند ضرر تنهایی به کشور انگلستان وارد می‌شود.<sup>۱</sup> این، انتهای تفکر جامعه آزاد مدنی و لیبرال است که نتیجه‌ای جز تنهایی را در پی نداشته است. مهم‌ترین عللی که جامعه انگلستان را به چنین منجلابی فروبرده است و از زبان وزیر تنهایی عنوان شده است از این قرار است:

**۱. فروپاشی خانواده:** جامعه انگلستان به نقطه‌ای رسیده است که مرد و زن در آن، اعتمادی به یکدیگر ندارند و علاقه و تعهدی هم [میان اعضای یک خانواده در این جامعه] وجود ندارد. زن و مرد در این کشور، دیگر نگران یکدیگر نیستند؛ [اینجاست که دیگر چیزی به نام خانواده معنایی نخواهد داشت و از اساس، فرو می‌پاشد.] خانواده را متلاشی کردند تا جامعه را بسازند؛ ولی اکنون جامعه‌ای هم ندارند.

**۲. تقدّم آزادی بر اخلاق:** آن قدر که [بر اساس دیدگاه مکتب خود] دم از آزادی زدند و آن را [در هر شرایطی] بر دیگر ارزش‌ها مقدم کردند که نه تنها دین، بلکه اخلاق [و انسانیتی] هم در جامعه باقی نماند. این آزادی، به شکل یکی از خطرناک‌ترین نوع خود، یعنی برهنگی نمود پیدا کرد تا

دختران و پسران بدون هیچ‌گونه تعهد و قرارداد حقوقی و اخلاقی با یکدیگر ارتباط برقرار کردند<sup>۱</sup> [و دیگر چیزی به نام خانواده و اخلاق باقی نماند].

اکنون به جایی رسیده‌اند که دیگر قانون نمی‌تواند افسردگی را برای مردم درمان کند و از این رو، به خود مردم، کلیساهای و خیریه‌ها روی انداخته و از آن‌ها یاری می‌طلبند. زمانی که به ریشه‌های این بحران می‌رسند، آن را نه با نگاه دینی - که آن را قبول ندارند - بلکه با نگاه روان‌شناسی اجتماعی بیان می‌کنند. وزیر تهاپی انگلستان در بیان این معضل و با توجه به بررسی دانشمندان خود، «تحریک روانی» را مهم‌ترین مسأله‌ای می‌دانند که موجب تحریک جنسی انسان می‌شود و به اندازه تحریک عضوی از حساسیت بالایی برخوردار است. زمانی که مرد با دیدن بدن زن یا حتی با شنیدن صدای زن به تحویل جنسی و افکار جنسی بپردازد، عمل و حیات جنسی او آغاز می‌شود. بدین صورت که با تحریک شدن، سه حالت در او متصور است: یا به خودارضایی می‌پردازد یا به دنبال زنان و حتی مردان جهت ارتباط می‌رود و یا خود را سرکوب می‌کند. این

وزیر در خلال طرح این مباحث، به بیان کاملاً علمی این مسئله (با طرح مباحث فیزیولوژی و روان‌شناسی) می‌پردازد [که بیان آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد].

از منظر خود آن‌ها، یک سوم انگلیسی‌ها به خاطر تنهایی، افسردگی و بی‌خانودگی دچار مرگ زودرس می‌شوند و با بررسی‌های انجام شده، علت اصلی تنهایی، فروپاشی خانواده عنوان شده و علت اصلی این فروپاشی هم مسئلهٔ برهنگی و اصالت لذت بیان شده است.

انتهای بحث به جایی ختم می‌شود که خیانت، ازدواج‌های مختل و دیگر بحران‌ها و در آخر، «تنهایی» از جمله نتایج برهنگی در جامعه به شمار می‌رود و مجلس آن کشور را مجبور می‌کند تا وزارت تنهایی را تشکیل دهد. گفتنی است، بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر از ۶۰ میلیون انگلیسی به صورت تمام‌وقت تنها هستند و میلیون‌ها تن در دنیای غرب، هیچ‌کس را حتی برای حرف‌زدن ندارند و برای رهایی از این تنهایی، افرادی را به‌عنوان مادر و یا فرزند استخدام می‌کنند تا بتوانند [مقداری حس داشتن یک خانواده را تجربه کرده و] خود را در مدت محدودی از تنهایی برهانند! مردم در غرب به‌سوی تنهایی کشیده شده‌اند و کسانی که دارای خانواده باشند در اقلیت قرار گرفته‌اند؛ زیرا هر کس تنها به فکر لذایذ و منافع خودش است. زندگی‌های سلولی و انفرادی،

خانه‌های مجردی، انحصار روابط زن و مرد به سکس و بدون عشق و عاطفه و اعتماد، آلوده شدن تمام وقت به ویروس دیجیتال، تبدیل جامعه واقعی به جامعه مجازی، بلاهایی است که به تدریج، بسیاری از مردم ایران نیز در حال گرفتاری به آن‌ها هستند.

[خانواده‌ای صمیمی که اعضای آن، پشتیبان و پشتوانه یکدیگر در زندگی هستند، همان حلقه گمشده‌ای است که اکنون مردم غرب به دنبال آن هستند. منشأ این حس گمشدگی از چیست؟ قطعاً یکی از مهم‌ترین عوامل آن، برهنگی و بی‌حجابی است که سالیان سال، زندگی مردم را به سوی تنهایی سوق داده است.] نباید خود را فریب دهیم!

مگر غیر از این است که مردی در خیابان، زنان و دخترانی با پوشش‌های جذاب و گوناگون را می‌بیند و به دنبال آن، جذابیت همسر او از قلبش بیرون می‌شود؟ مگر غیر از این است که زنی در خیابان، مردان و پسرانی زیبا را می‌بیند و جذابیت شوهر او از منظرش می‌افتد؟ آیا این مسائل، [تزلزل و] فروپاشی خانواده‌ها را به دنبال نخواهد داشت؟ اینجاست که اسلام دستور به پوشش و کنترل نگاه و رفتار جنسی می‌دهد تا خانواده‌ها به دنبال آن حفظ شوند.

نتیجه این نوع نگاه غربی به پوشش را باید در نابودی آرزوها و آینده درخشانی دانست که هر یک از نوجوانان و جوانان یک جامعه [برای آن آفریده شده‌اند و] برای خود ترسیم کرده‌اند. زمانی که تحریکات جنسی در این افراد فوران کند و تحت فشارهای روانی و شهوانی قرار گیرند، دیگر انرژی و نیرویی برای فعالیت در عرصه‌های مختلف علم، آزمایشگاه، صنعت، اقتصاد، کشاورزی، جهاد و... نخواهند داشت و همین امر، [عقب‌ماندگی آن‌ها و] تسلط قدرت‌های استکبار بر آن‌ها را به دنبال خواهد داشت.

## رابطه زن و مرد در نگاه قرآن

قرآن کریم در مواجهه زن و مرد با یکدیگر دو سفارش مهم بیان می‌کند که اولین سفارش خطاب به مردان و دومین سفارش آن، خطاب به زنان ایراد شده است. در سفارش به مردان، دو دستور مهم را به مردان صادر می‌کند:

۱. ابتدا به مردان سفارش می‌کند که از نگاه جنسی و شهوانی به زنان خودداری کرده و خود را کنترل نمایند. اگر نگاه انسانی است، ایرادی ندارد؛ اما از زمانی که این نگاه جنسی می‌شود باید مراقبت نمود [و زمانی که زن از پوشش مناسب برخوردار نباشد، قطعاً نگاه هر مردی را آلوده خواهد کرد]. نگاهی که از قبیل نگاه نر و ماده باشد نباید در جامعه باشد و انسان قبل از آن که نریا ماده باشد، انسان است. نگاه جنسی، مختص کسانی است که با یکدیگر [و بر اساس

ضوابط مشخصی] توافق و عهد بسته و میثاق ازدواج دارند. در مواردی هم که دختری خواستگار ندارد و یا پسری در خواستگاری‌ها ناموفق بوده و نمی‌توانند ازدواج دائم کنند، تشکیل خانواده موقت مانعی ندارد. مرد و زن به یکدیگر احتیاج داشته و هیچ‌کس نمی‌تواند از این امر محروم باشد. قرآن کریم، زن و مرد را مایه آرامش و تکیه‌گاه یکدیگر معرفی کرده است تا از وجود هم لذت ببرند. اصلاً قرآن کریم، مسئله معاشقه زن و مرد را محترم دانسته و به رسمیت می‌شناسد. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز وارد شده که عشق‌بازی به روش اخلاق و مشروع، عبادت شمرده شده و همچون نماز، برای آن پاداش در نظر گرفته شده است.

۲. حفظ فرج و کنترل روابط جنسی، دومین دستور قرآن به مردان است. مردان به صورت غریزی نیاز دارند تا میل جنسی آنان ارضا شود؛ اما این کار جز در چارچوب اخلاق و حقوق نباید انجام شود. این به معنای احترام به حقوق زن و احترام به حقوق مرد است. حرام و حلال دستوراتی است که از جانب خداوند به انسان داده شده است [و از قبیل آن است که مفاهیم ارزشی و ضد ارزشی در مورد انسان معنا پیدا می‌کنند. به عنوان مثال] حیا، مفهومی انسانی و مختص به وجود انسان است که به کاربردن آن در مورد موجودات دیگر هیچ معنا و مفهومی نخواهد داشت. بله؛ درست است که برخی از حیوانات در روابط خود نسبت به برخی دیگر، محیط



خود را در نظر می‌گیرند، بسیاری از آن‌ها به صورت فصلی و صرفاً جهت زادوولد جفت‌گیری می‌کنند و حتی کسی نزدیکی برخی حیوانات را ندیده است؛ اما [این به معنای باحیابودن آن‌ها و بی‌حیابودن دیگر حیوانات نیست و] نمی‌توان گفت این حیوان نسبت به آن حیوان، از اخلاق و تقوای بیشتری برخوردار است!

حرام و حلال در نزد خداوند، ناظر به اموری در زندگی است که منفعت و یا ضرر آن شامل حال انسان گردد. چیزی که حلال است، امری است که برای انسان - از جهات مختلف جسمی، روحی، ذهنی، فردی و یا اجتماعی - مفید بوده و چیزی که حرام است، قطعاً برای انسان دارای ضرر و زیان است. بی‌حجابی و روابط نامشروع هم جزو اموری است که [چون ضرر آن متوجه فرد و جامعه می‌شود] در اسلام حرام شده است و این حکم حرمت، مانند سیم خاردار در لب پرتگاه است تا انسان را از هلاکت نجات دهد.

اما در سفارش به زنان، در ابتدا عیناً همان دستوری را می‌دهد که به مردان داده است؛ یعنی زنان نیز همچون مردان موظف‌اند از یک سو نگاه خود را حفظ کرده و با نگاه جنسی [و به‌گونه‌ای که توجه مردان را به خود جلب کند] نظاره‌گر مردان نشوند. نگاهشان به‌گونه‌ای باشد که عفت، حیا و کرامت آن‌ها را حفظ کند. از سوی دیگر باید فروج و رفتار جنسی خود را نیز حفظ

نمایند. در ادامه این دو سفارش، دستوری به زنان می‌دهد که به مردان گفته نشده است و آن، پوشاندن جذابیت‌ها و زیبایی‌های خود در برابر مردان است.<sup>۱</sup> هر چند صورت زنان نیز از جذابیت برخوردار است؛ لکن جذابیتی است که از منظر قرآن جزو ظواهر زن به شمار می‌رود و از نظر برخی فقها، پوشاندن آن نیز واجب است.<sup>۲</sup> روشن شدن این پوشش جذابیت را باید در واژه «جلباب» جست که به معنای پوششی است که سر و شانه و سینه‌ها را مانند شنل یا چادر پیوشاند تا جذابیت‌های زنان پوشیده شود و مردان با دیدن زنان، جذب آنان نشوند.

خصلت و آرزوی مردان دنیا - البته به جز مردانی که تقوا دارند - این است که زنان، نه تنها بی حجاب؛ بلکه به صورت برهنه در برابر آن‌ها ظاهر شوند؛ لذا بزرگ‌ترین مخالفین حجاب در دنیا مردها هستند! مردانی که به دنبال برهنگی و آزادی خودساخته زنان در جامعه هستند کسانی می‌باشند که زنان را تنها ابزار استفاده جنسی و شهوانی خود دانسته و به محض استفاده، آن‌ها

۱. سوره نور، آیه ۳۱.

۲. در شرایطی که مرد از نگاه به چهره زن «تَلَذَّذَ» می‌کند و زن هم توجه به این حال دارد و می‌داند که در معرض «نظربازی» مرد است، در این صورت به اتفاق تمام فقها، هم «سُتْرٌ» و پوشاندن صورت بر زن واجب است و هم نظر و نگاه کردن به صورت زن، بر مرد حرام است. (به کتاب العروة الوثقی، چاپ آخوندی، فصل ۸ از فصول کتاب الصلوة، صفحه ۱۸۴ و کتاب النکاح، صفحه ۶۲۶، مسئله ۳۱، با حواشی مراجع وقت رجوع شود.)





را دور می‌اندازند. درحالی‌که دختران و زنان در رابطه خود با مردان، اغلب به دنبال ازدواج با آنها هستند و نگاه آن‌ها نگاه عاطفی است؛ نه جنسی.

به بیان دیگر، از منظر روان‌شناسی جنسی، مرد به دنبال تصاحب بدن زن است؛ ولی زن به دنبال تصاحب قلب مرد است.

قوت مرد را باید در زور بازو و نقطه قوت زن را باید در جذابیت و عشوه‌گری او دانست.



آنچه از نظر اسلام اهمیت دارد این است که زن و مرد نباید از این نقاط قوت خود سوءاستفاده کنند و این ابزار حیاتی را به جای آنکه به دامی برای دیگران تبدیل کنند، باید آن‌ها را به شبکه‌ای از وفا،

صداقت و دوستی بدل کنند.

تمامی آنچه زن و مرد در برابر نامحرم و در کوچه و خیابان باید رعایت کنند، امروزه در بسیاری از موارد، به صورت عکس عمل می‌شود. یعنی آنجا که زن و مرد باید در خانه و در برابر همسر خود به صورت زیبا و آراسته ظاهر شوند، کاملاً عادی، گاه با ظاهری زشت و حتی با اخلاق نامناسب هستند و بالعکس در بیرون از خانه، کاملاً آراسته، معطر و با اخلاقی خوش ظاهر می‌شوند! این حق زن و مرد است که به گونه‌ای در منزل ظاهر شوند که وقتی همدیگر را مشاهده می‌کنند لذت ببرند، بوی خوش بشنوند و چهره‌ای زیبا و موی مرتب ببینند. اینجاست که دستور قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به مواجهه زن و شوهر با یکدیگر به گونه‌ای است که حتماً به استحکام بنیان خانواده منتهی می‌شود.

## تفاوت زن و مرد

زن به صورت غریزی به تبرّج و خودنمایی علاقه مند است تا مردان را جذب و عاشق خود کند و از این طریق، بتواند به ازدواج و مادری برسد. درحالی که اگر از این غریزه به صورت غلط استفاده کند و خود را در معرض نگاه مردان مختلف قرار دهد، هم به زن بودن زن و هم به مادر شدن او صدمه می زند و حتی کانون خانواده خود را با خطر متلاشی شدن مواجه می سازد. در مقابل، مرد هم به صورت غریزی دوست دارد به زنان نگاه کند و اگر مردی این گونه نباشد [و یا مدعی باشد که این گونه نیست، یا دروغگوست و یا] بیمار بوده و باید به پزشک مراجعه کند.

این غریزه ها انسان را تازه با حیوانات برابر می کند؛ چیزی که حیوانات هم از آن برخوردار هستند. زمانی که انسان ایمان می آورد، اینجاست که انسانیت، اخلاق و حقوق مطرح می شود و می بایست غرایز خود را کنترل و مدیریت کنند. اگر مدیریت نشود، از یک نگاه به ظاهر کوچک شروع

می‌شود و کار به جایی می‌رسد که صدای شکایت زنان در جهان بلند می‌شود؛ همچنان که اکنون مشاهده می‌کنیم. [مردان بی‌تقوا در زندگی خود توجهی ندارند که زن از چه جایگاه، مقام و ثروتی برخوردار است. او را یک زن و خود را یک مردی می‌بینند که حق خود می‌دانند به حریم او تجاوز کنند.

حجاب، [همان چارچوب و ضابطه بازدارنده‌ای است که] نقش مدیریت و کنترل رفتار جنسی در جامعه را ایفا می‌کند و اجازه نمی‌دهد خانواده متلاشی شود. حجاب اجازه نمی‌دهد کرامت زن مورد سوءاستفاده در عرصه عمومی قرار گیرد. حجاب زیبایی‌های زن را از دسترس تصرف مردان فاسد حفظ می‌کند. دفاع از طهارت و کرامت زن، حق اوست [که تنها با رعایت حجاب به دست می‌آید]. حال آنکه بسیاری گمان می‌کنند، حجاب توهین به شخصیت زن است. برهنگی، نه حق زن؛ بلکه «اضافه حقوق مردان» است تا بتوانند از زیبایی و جذابیت زن، حداکثر استفاده را داشته باشند. زیبایی، به خودی خود [آفریده خداوند است و] رعایت آن در جامعه و خانواده موردپسند اسلام قرار گرفته است و حتی در اسلام سفارش شده است که زن در خانه، خود را تا می‌تواند برای شوهر خود آرایش و زیبا کند. حضرات معصومین علیهم‌السلام نیز به آراستگی و زیبایی

خود اهمیت بسیاری می‌دادند و همیشه با ظاهری آراسته، موهای چرب و بدنی معطر ظاهر می‌شدند<sup>۱</sup>.

ویل دورانت تعبیر خوبی در تفاوت میان زن و مرد دارد. می‌گوید: «عجیب‌ترین کار در بین اعمال انسان‌ها این است که مردها تا پیری و لب‌گور دنبال زن‌ها هستند و زن‌ها هم تا لب‌گور آماده معشوق شدن هستند و آرزو دارند محبوبه باشند که البته خوب و طبیعی است. در رفتار انسان‌ها چیزی در طول تاریخ پایدارتر از نگاه مردها به زن‌ها نیست». آخرین شاه‌ساسانی قبل از اسلام در ایران سه هزار زن در حرم‌سرا داشته<sup>۲</sup> و این نشان‌دهنده حرص‌گریزی مرد در کشیده شدن به سوی زنان است. این میل شدید که میلی عمیق‌تر از آن در مردان نیست؛ گاهی به جنون کشیده می‌شود و ممکن است مرد به خاطر زن به هر اقدامی دست بزند. اینجاست که زنان اگر مردان را کاملاً بشناسند، می‌فهمند که چرا باید حجاب داشته باشند؟! قرآن هم به زنان سفارش می‌کند که در هنگام صحبت با مردان با ناز و ادا سخن نگویند؛ بلکه با شدت و محکمی سخن بگویند تا مردان با انگیزه جنسی به آنان نگاه و گوش نکنند.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۱۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹ / الکافی، ج ۶، ص ۲۸۵ / الکافی، ج ۶، ص ۵۲۰.

۲. تاریخ ناگفته حرم‌سراهای ایرانی.



توجه به تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد، بر هرکسی لازم است تا به هنگام مواجهه زن و مرد در خانه، بسیاری از مشکلات حل گردد. به عنوان مثال، مردان کلی نگر بوده و زنان کاملاً جزئی نگر هستند؛ همچنین مردان نگاه فنی به مسائل دارند و زنان، نگاه ظاهری به اطراف خود دارند. در این میان، مهم‌ترین تفاوت میان زن و مرد، به اندام و بدن آن‌ها [در ظاهر و روح و روان آن‌ها در باطن] بازمی‌گردد که اتفاقاً علت اصلی این تفاوت را مسئله جنسیت و رابطه جنسی آن‌ها شکل می‌دهد؛ لذا

برهنگی بدن، معنای خاص خود را پیدا می‌کند. در حوزه کارکرد فیزیکی، برهنه بودن به معنای بی‌دفاع بودن در برابر گرما، سرما، باد، آفتاب و... است؛ اما مهم‌ترین کارکرد لباس و حجاب، حفظ کرامت و شخصیت انسان است و این، جز با کنترل و مهندسی کردن پوشش تأمین نخواهد شد.

## حریم انسان

[اسلام با محوریت قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام پُر از آموزه‌های ناب‌ی است که تمامی ابعاد فردی و اجتماعی انسان را به بهترین شکل پوشش داده تا زندگی انسان‌ها بر پایه امنیت، آرامش و رفاه بنا گردد. در بحث حاضر که به مسئله حجاب پرداخته شده است، باید در نظر داشت که اسلام در همین موضوع نیز سفارش‌ها و دستورات خود را بیان داشته است.] قبل از آنکه بحث حجاب به میان آید، قرآن کریم نسبت به نحوه ورود به منازل نیز آموزش‌های لازم را بیان فرموده است تا مسلمانان بدانند انسان قبل از آنکه به نحوه پوشش نگاه کند، به حریمی که حق اوست باید توجه کند! هرانسانی دارای حریمی است که برای ورود به حریم او باید ابتدا با دادن «سلام»

کسب اجازه کند و پس از آن وارد شود. اتاق زن و شوهر نیز در خانه جزو حریم خصوصی و جنسی آن‌ها به شمار می‌رود و به کودکان باید آموخت بدون کسب اجازه وارد اتاق نشوند.

[این نشان دهنده آن است که نه فقط مکان‌ها؛ بلکه در وهله اول، خود انسان‌ها از حریمی برخوردار هستند که از یک سو وارد شدن خارج از ضوابط اخلاقی به آن حریم ممنوع است و از سوی دیگر، باید راه را برای کسانی که می‌خواهند - با چشم و غیر چشم - به آن حریم وارد شوند بست. فارغ از این نظر]، خواست اشخاص در نحوه حضور آن‌ها در مکان‌های عمومی، باید با حریم آن‌ها همخوانی داشته باشد. اینکه کسی بخواهد نحوه پوشش خود را خودش تعیین کند، مربوط به حریم خصوصی او می‌شود؛ اما در در ملاءعام، به حریم عمومی مربوط می‌شود. از این جهت، در وهله بعدی باید فرق اساسی میان حضور در اجتماع و حضور در اماکن شخصی قائل شد؛ لذا کسی در یک حریم عمومی نمی‌تواند خواسته‌های شخصی خود را بر عموم تحمیل کرده و حقوق دیگران را ضایع کند. [حق دیگران این است که از امنیت اخلاقی، کانون گرم خانواده و عفت عمومی برخوردار باشند؛ در حالی که پوشش نامناسب، این حق را از دیگران سلب خواهد کرد.]

ممکن است گفته شود از آنجاکه هر کسی حریم خود را به اندازه فهم خود درک می‌کند و فرد عاقل می‌داند که باید از یک پوشش مناسب و متناسب با مکانی که در آن حضور دارد داشته باشد،

چه نیازی است که حکومت نیز برای آن‌ها حریم و محدوده‌ای قائل شود و آن‌ها را با ملزم کردن پوشش حداکثری، تحت فشار قرار دهد؟ حکومت می‌تواند با آزاد گذاشتن افراد عاقل در پوشش خود و منع کردن افراد غیرعاقل از پوشش نامناسب، نسبت به امر حجاب اقدام کند. با این روند، کسانی هم که به پوشش اسلامی اعتقادی ندارند، می‌توانند با تشخیص عقل خود، پوششی را برای خود تعریف نمایند. با این بیان، چه معیاری برای تشخیص عاقل و غیرعاقل وجود خواهد داشت؟ کسی که از چراغ‌قرمز عبور کرده و مدعی عاقل بودن است را چگونه می‌توان برای اجتناب از هرج‌ومرج کنترل کرد؟ اگر هم عقل را به معنای علمی آن در نظر بگیریم، منظور فلسفه است؛ پس در ابتدا باید فلسفه حجاب را تبیین کرد که باتوجه به اختلافات بسیار آن در آرای فیلسوفان، رسیدن به یک نقطه مشترک امکان‌پذیر نمی‌باشد. زیرا برخی از آنان، چیزی به اسم عقل اخلاقی را قبول ندارند؛ چه رسد به آنکه بخواهند در مورد فلسفه حجاب و ضرورت آن برای تأمین اخلاق عمومی به بحث بپردازند.

کسانی که با شعار لیبرالیسم و آزادی، حریم انسان‌ها را برای آن‌ها آزاد گذاشته و حق انتخاب نوع پوشش را نیز به خود آن‌ها واگذار کرده‌اند؛ در عمل نتوانسته‌اند بدان پایبند باشند؛ چراکه با گرایش بسیاری از مردم به پوشش اسلامی، از گسترش آن احساس خطر کرده و بی‌حجابی را

برای مردم اجباری کرده‌اند! چیزی که با مبانی مکتب آن‌ها کاملاً در تناقض است و نتوانسته‌اند به آن‌ها جامه عمل بپوشانند. از منظر آنها، رئیس‌جمهوری که با شعار لیبرالیسم و آزادی از سوی مردم انتخاب شده است، در عمل لیبرالیسم را این‌گونه معنا می‌کند که پوشش آزادانه خلاف مصالح عمومی است؛ لذا ما با قانون آن را کنترلش می‌کنیم و از این طریق، همجنس‌بازی را حمایت قانونی می‌کنیم و در مقابل، پوشش اسلامی را ممنوع می‌کنیم! این در حالی است که حریم انسان از سوی اسلام به‌گونه‌ای تعریف شده است که کرامت و جایگاه انسان آسیب نبیند و حکومتی هم که بر اساس این نگاه‌ها بنا شده باشد، نمی‌تواند نگاه لیبرالیسم را در حق مردم خود اجرا کند.

## فساد مدرن یا سنتی؟

حجاب، به عنوان سمبل دین - نه فقط اسلام - به شمار می‌رود [و اگر جامعه و خانواده‌ای با پوشش و حجاب مشاهده شوند، نشان از دین‌داری بودن آن‌ها دارد]. سمبل دین بودن حجاب، بدین معناست که در تمامی ادیان قبل از اسلام نیز دستور بر حجاب وجود داشته است و اکنون نیز این دستور در کتب آسمانی آن‌ها - با وجود تحریفات بسیار - وارد شده است.<sup>۱</sup> این دستور به حجاب در ادیان دیگر، بسیار شدیدتر و محکم‌تر از دستور اسلام به حجاب بوده است و به صورت افراط و تفریط عمل می‌شده است. اکنون نیز با اینکه همین دستورات پابرجاست؛ اما بدان عمل نمی‌کنند.

---

۱. بررسی تحلیلی حجاب از دیدگاه ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت)، صص ۲ و ۳.

به عنوان مثال، در دین زرتشتی قبل از اسلام که ایرانیان تابع آن بودند، حجاب بسیار سخت گیرانه‌ای در میان خانواده‌های ایرانی - در دوره‌های مختلف هخامنشی، اشکانی و یا حتی ساسانی - حاکم بود؛ به گونه‌ای که زن پس از ازدواج، از پدر و برادر خود باید روی خود را می پوشاند. هند، غرب و حتی عرب قبل از اسلام نیز حجاب را در دستور خود قرار داده بودند و در کتب انجیل و تورات به صورت سخت گیرانه‌ای به آن دستور داده شده است؛ لکن با معیارهای غلطی که افراط و تفریط را در پی داشت. مثلاً در ایران باستان، هنگامی که زن در دوران قاعدگی قرار می گرفت، او را به عنوان موجودی نجس و شیطانی قلمداد می کردند و او را در مکانی حبس می کردند!! اما اسلام، حجاب را به گونه‌ای آسان تعریف کرد که زن، علاوه بر آنکه بتواند در اجتماع حضور پیدا کند [و فعالیت‌های ریزودرشت در جامعه داشته باشد]، مورد نگاه شهوت باره مردان قرار نگیرد [و با این دستور، کرامت را به جایگاه زن بازگرداند].

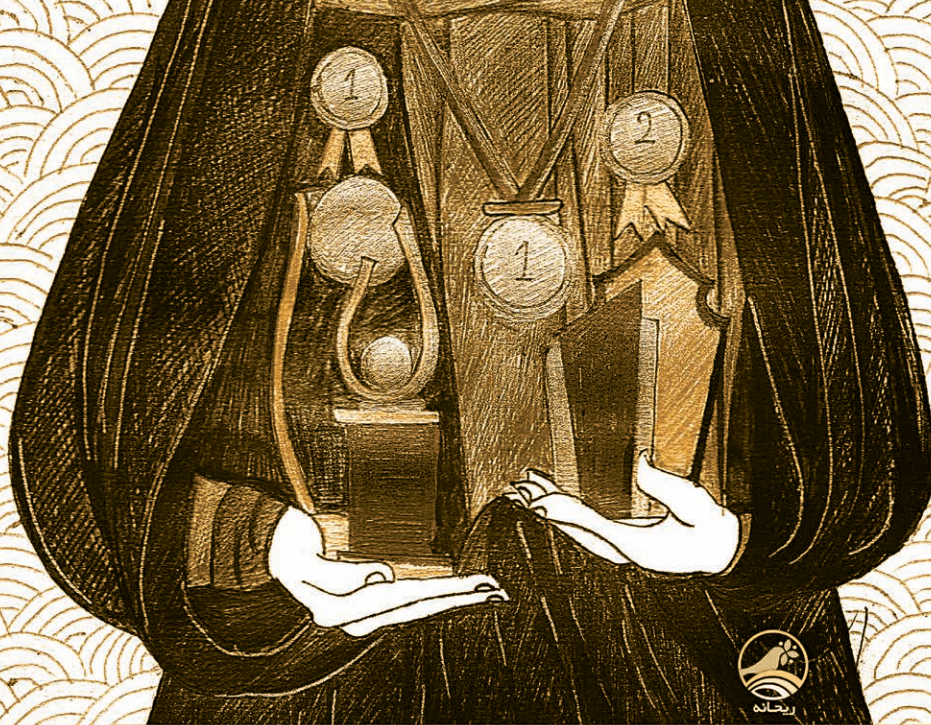


در مقابل، گناهای هم که امروزه در میان ملل غرب و به اصطلاح مدرن مشاهده می‌کنیم، چیز نوین و جدیدی نیست! بی‌حجابی، شرب خمر، زنا، لواط، ارتباط با حیوانات و... گناهای هستند که در جوامع قدیم وجود داشت و امروزه با ابزار جدیدتری صورت می‌گیرند. اگر بناست این اعمال نشانه مدرن بودن به شمار آید، قوم لوط از همه مدرن‌تر بود! لذا تمامی گناهان سنتی بوده و از قدیم‌الایام وجود داشته است؛ هیچ گناه جدیدی اختراع نشده و فقط ابزار آن تغییر پیدا کرده است. زنان هم تبدیل به ابزاری شده‌اند که [بسیاری از صاحبان پول و قدرت] بتوانند در جهت تبلیغ کالای خود و جذب مشتری از آنان استفاده کنند.

[شریعت ادیان الهی در ابتدا به صورت صحیحی پایه‌گذاری می‌شد و به مرور زمان دستخوش تحریفات بسیاری قرار گرفت. حجاب، عبادت خداوند، رعایت ارتباط با نامحرم و... جزو مواردی بودند که از سوی انبیای الهی به مردم ابلاغ می‌شد؛ لکن به افراط و تفریط دچار گشته و از مسیر صحیح خود خارج شدند. در این میان، اسلام تنها دینی است که شریعت خود را حفظ کرده و از تحریفات مصون مانده است. هرچند بدعت‌های وارد شده در این دین را نمی‌توان انکار کرد که کم‌وبیش در جوامع اسلامی رخنه کرده است و باید مراقب بود تا به اصل دین لطمه وارد نکنند.]

بنابراین، از یک سو گناهای نظیر برهنگی، نوعی بیماری جنسی است که از ابتدا در جوامع قدیم و برای هرکسی وجود داشته است؛ لکن مانند امروز، آن را روشنفکری نکرده بودند! چنانچه امروزه آن را به نام حقوق بشر، جزو حقوق زن می‌دانند! گناهان جنسی در قدیم به بهانه‌هایی نظیر عدم اعتقاد به خدا، بهشت و جهنم صورت می‌گرفت و امروزه با دفاع [مغالطه‌آمیز] از آن، [آن را تئوریزه کرده و] تبدیل به یک ایدئولوژی کرده‌اند. از سوی دیگر، دستورات ادیان دیگر، به قدری سخت‌گیرانه بود که قابل قیاس با احکام اسلام نیست و اسلام آن‌ها را بسیار آسان کرد.

برهنگی و بی‌حجابی گسترده‌ای که اکنون در غرب مشاهده می‌شود، تا ۱۲۰ سال گذشته وجود نداشته و برخی گمان می‌کنند که غرب از ابتدا این‌گونه بوده است! غرب پس از جنگ بین‌الملل اول و بالاخص پس از جنگ بین‌الملل دوم به این نوع پوشش و به دنبال آن به برهنگی، فساد جنسی، هم‌جنس‌بازی و مبارزه با پوشش روی آورد که بهای آن را اکنون در فروپاشی خانواده و واردشدن جامعه به بحران پرداخت می‌کند. منشأ آن هم تفکر صهیونیستی و فراماسونری حاکم بر غرب بود و فعالیت آن‌ها در بسترهای مختلفی نظیر هالیوود و رسانه‌ها در هشتاد سال اخیر نمود پیدا کرد.



## حجاب، لباس فعالیت اجتماعی

حجاب، به هیچ وجه مزاحم فعالیت های سیاسی و علمی و اجتماعی نیست؛ شاید هنوز  
عده ای تعجب کنند که خانی در سطح بالای علمی در هر رشته ای وجود داشته باشد که خودش

را با تعالیم اسلامی و از جمله مساله حجاب منطبق کند.

۳۰۴  
۴۸/۱۰/۲۶  
رهبر انقلاب

## انقلاب اسلامی و حجاب

کسانی که سال‌های منتهی به انقلاب را تجربه کرده و به چشم دیده‌اند می‌دانند و تاریخ نیز گواه آن است که وضعیت جامعه از نظر اخلاقی در زمان شاه در حالت بسیار اسفناکی قرار داشت. [با اینکه هیچ‌کدام از روستاها نه آب داشتند، نه برق داشتند و نه آسفالت؛ مهم‌ترین دغدغه و مسئله اصلی مردم برای کنارزدن رژیم پهلوی، نه آب و گاز و آسفالت؛ بلکه معضلات فرهنگی و اخلاقی بسیاری بود که از سوی حکومت پهلوی گریبان‌گیر جامعه ایران شده بود؛ لذا از ابتدای تظاهراتی که شکل گرفته بود، مردم به اولین مکان‌هایی که یورش بردند مکان‌های فسادمحور بود. مشروب‌فروشی‌ها، فاحشه‌خانه‌ها، سینما و دیگر مراکز فساد جزو اولین مکان‌هایی بودند که توسط مردم تخریب شدند. تمامی شعارهایی هم که توسط مردم داده می‌شد، تنها به عدالت و ارزش‌های اسلامی اشاره داشت و همه جا صحبت از اسلام بود. عده معدودی هم که به صورت بی‌حجاب

در تظاهرات حضور داشتند، مربوط به عده بسیار قلیلی بودند که نه از ابتدای شکل‌گیری انقلاب؛ بلکه در هفته‌های پایانی منتهی به انقلاب، به خیل مردم پیوسته بودند.

انقلاب اسلامی، با تمامی موانعی که با آن‌ها مواجه شد و اکنون نیز با دشمنی‌های بی‌شماری که دست و پنجه نرم می‌کند، به نقطه‌ای از پیشرفت مادی و معنوی رسیده است که هرچند آرمانی نیست؛ لکن در قیاس با قبل از انقلاب و دیگر کشورها، نمره قابل قبولی را کسب کرده است.

اما اینکه با این بیان، حکومت و جامعه کثونی را صددرصد اسلامی بدانیم یا به دلیل وجود ضعف‌های مهم، به هیچ‌عنوان آن را اسلامی ندانیم سخن غلطی است. زیرا از یک سو مردم باید میان افرادی که از میان خودشان در میدان سیاست گام نهاده‌اند، یک نفر را انتخاب کنند و این، در تمامی کشورهای دموکراتیک نیز امری ناگزیر است [و مردم‌سالاری دینی نیز آن را اقتضا می‌کند].

پس حکومت برخاسته از این انتخاب، قطعاً با چالش‌ها و ضعف‌های مهمی روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر، هیچ‌کس ادعایی نداشته که حکومت کثونی کاملاً اسلامی بوده است؛ بلکه بنا به وصیت حضرت امام هرگز چنین ادعایی وجود ندارد. آنچه مهم است، این است که هدف (اسلامی شدن کامل جامعه) مشخص است و این نظام با وجود تمامی موانع و دشمنی‌های داخلی و خارجی در حال حرکت به سوی آن است.

این را نیز نباید انکار کرد که در زمان پیروزی انقلاب، چندین هزار نفر از زنان بودند که هر چند مخالف حجاب و حتی انقلاب بودند [و این امری طبیعی است و بنا نیست که صد درصد مردم به انقلاب یک کشور تن دهند]. اما بسیاری از آنان کسانی بودند که به صورت بی حجاب در تظاهرات و بعد از انقلاب در جامعه حضور داشتند و خود را متدین هم نمی دانستند؛ اما این را قبول داشتند [که راه انقلاب، راه درستی بوده] و پس از انقلاب بسیاری از آنان حجاب را در جامعه برگزیدند. حتی برخی از آنان جزو خانواده‌های ساواک بودند که به محض مشاهده پیروزی به جمعیت مردم پیوستند. اما آنچه واضح است این است که از ابتدای شکل‌گیری انقلاب، تمامی زنانی که در صحنه حضور داشتند، همگی افراد متدین و باحجاب بودند.

زمانی که انقلاب در حال ثمردهی بوده و به پیروزی نائل شده بود، هیچ یک از علما در رابطه با اصل موضوع حجاب و قانونی شدن آن با یکدیگر اختلاف‌نظری نداشتند؛ جز در اینکه آیا قانونی شدن آن از ابتدا لحاظ گردد یا صبر شود و با فراهم کردن مقدمات آن و کار فرهنگی، اجرا گردد؟ پس در اصل موضوع حجاب و قانونی شدن آن، نسبت‌هایی که به امثال شهید مطهری می‌دهند، نسبت درستی نیست. ایشان نه با اصل قانونی شدن حجاب؛ بلکه با زمان قانونی شدن حجاب مخالف بودند و قائل بودند هنگامی که از زمان رضاخان [ملعون] بی‌حجابی بر

مردم تحمیل شده بود، شاید نتوان اکنون از ابتدا قانون حجاب را اجرا کرد. زمانی که برخی آقایان در رابطه با این مسئله به امام مراجعه کرده بودند، پاسخ ایشان این بود که «آقایان به حرف مردم فکر می‌کنند؛ من به حکم خدا فکر می‌کنم». زمانی که حضرت امام قبل از انقلاب از رعایت حجاب و ریشه‌کن شدن فساد در جامعه سخن می‌گفتند، چرا باید پس از پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی، باز هم جامعه با همان شکل بی‌حجابی ظاهر شود؟ اگر این‌گونه باشد، پس چرا انقلاب شد و در راه آن ده‌ها هزار شهید و کشته هزینه شد؟ پس حکومت تشکیل شد تا از ارزش‌های اسلامی به وسیله قانون حمایت شود.

اما اینکه قبل از قانونی شدن حجاب و اجرای آن در جامعه، ابتدا باید نسبت به فرهنگ‌سازی آن اقدام می‌شد و یا اکنون باید قبل از اجرای آن در جامعه باید فرهنگ‌سازی صورت گیرد [سخن درستی نیست]. مسئله بی‌حجابی در جامعه عیناً مانند اعتیاد به مواد مخدر است و هیچ فرقی نمی‌کند. نمی‌توان گفت که در رابطه با مصرف مواد مخدر، ابتدا باید فرهنگ‌سازی صورت گیرد و پس از آنکه همگان نسبت به آن توجیه شده و نخواستند مصرف کنند، نسبت به اجرای قانون آن اقدام شود! راه درست آن است که فرهنگ‌سازی و اجرای قانون باید هر دو با هم انجام شوند و از مسیر و روش‌های درستی هم صورت گیرند. همچنین کسانی که به هیچ‌عنوان از طریق



## حکومت‌ها و قوانین آن‌ها

تمامی حکومت‌های موجودی که در دنیا در حال حکمرانی بر مردم خود هستند را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: حکومت اسلامی، حکومت دموکراتیک و حکومت استبدادی یا دیکتاتوری. قوانینی که در این حکومت‌ها تعیین شده و برای ادارهٔ جامعهٔ خود اجرا می‌شوند، قوانینی هستند که توسط نخبگان آن جامعه نوشته می‌شوند و این قوانین در هیچ جای دنیا با مشورت و نظرخواهی از مردم تعیین نشده‌اند؛ بلکه به دلیل وکالتی که [حکومت‌های اسلامی و دموکراتیک] از سوی مردم خود دارند نسبت به تعیین و اجرای قوانین اقدام می‌کنند.

مطلب مهم‌تر آن است که هیچ کشوری در دنیا در طول تاریخ، قانون اساسی خود را به طور مستقیم به رأی ملت خود نگذاشته است؛ جز کشور جمهوری اسلامی ایران که از یک سو منتخبین مردم آن را تبیین و ابلاغ کردند و از سوی دیگر دومرتبه (یک مرتبه در اولین ابلاغیه و

یک مرتبه نیز پس از بازنگری) به طور مستقیم به رفتارندوم و رأی مردم گذاشته شد. چیزی که در هیچ کشوری انجام نشده است.

اکنون کسانی که قائل به نظرخواهی از مردم در مورد قانون حجاب هستند و می‌خواهند قانون حجاب را به رأی مردم بگذارند، باید بدانند که اولاً این امر، خلاف روش حکومت‌داری تمامی کشورهای دنیا است تا قانون خود - که مبتنی بر قانون اساسی آن‌هاست - را به رأی مردم بگذارد؛ ثانیاً چگونه می‌توان قانون و شریعت اسلام را [که اجرای آن در یک کشور و حکومت اسلامی واجب است] به رأی مردم مسلمان گذاشت تا برخلاف قانون اسلام رأی دهند؟! اما اگر بخواهیم کشور جمهوری اسلامی را با دو کشور دیگر مقایسه کنیم و کاری به اسلامیت آن نداشته باشیم، می‌بینیم کشورهای دیکتاتور به هیچ‌عنوان با مردم خود کاری ندارند [و مشارکت مردم در قوانین آن‌ها صفر است] و کشورهای دموکراتیک هم هیچ‌سابقه‌ای در رأی‌خواهی مردمی و رفتارندوم مستقیم قوانین خود ندارند؛ زیرا دموکراسی این‌گونه تعریف نشده و اقتضائات آن، چنین چیزی را ایجاب نمی‌کند.

اما در مورد کشورهای اسلامی دیگری که قانون حجاب در آن‌ها وجود ندارد باید دانست که قانون اساسی آن‌ها - جز در دو سه موردی - اصولاً اسلامی نیست؛ از آنجاکه این کشورها

دست‌نشانده غرب هستند و ظرف هشتاد تا صدسال گذشته - بعد از جنگ اول و دوم بین‌الملل - به دست روس‌ها، انگلیس‌ها، فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها تقسیم شدند، بر اساس دموکراسی و رأی آزاد مردم تشکیل نشدند و کشور مسلمانی [جز ایران] وجود ندارد که قانون اساسی آن بر طبق اسلام نوشته شده باشد. از همین رو، با تبدیل شدن این کشورها به یک کشور سکولار و دست‌نشانده، نهضت حجاب در میان مردم شکل گرفته است. مردم، [به دلیل مواجهه با آثار سوء بی‌حجابی و برهنگی در این کشورها] خواهان قانونی شدن و الزام حجاب در کشور خود هستند و جالب است که مسئولین این کشورها با شعارهایی نظیر شعار حجاب رأی می‌آورند.

## چرایی بی‌حجابی

برخی گمان می‌کنند کسانی که در اعمال و رفتار خود دچار خطا می‌شوند، باید با برخورد قهری آنان را از ارتکاب خطایشان بازداشت. درحالی‌که اگر به دلایل مختلفی که برای این ناهنجاری وجود دارد مراجعه کنیم، متوجه می‌شویم اغلب این افراد به دلیل عدم برخورداری از تعلیم و تربیت به این معضل گرفتار شده‌اند؛ لذا با ریشه‌یابی مسئله بی‌حجابی، می‌توان به عواملی نظیر تنبلی، ناآگاهی، اثرپذیری از جوّ حاکم شده در جامعه، دوری از سختی و اذیت حجاب، تبعیت از مُد غرب، فرار از برچسب خوردن اُمُل و مرتجع، برخورداری از ثبست روشنفکری و... پی برد. اما در این میان، دودسته از هنجارشکنان هستند که حتماً باید با آنان برخورد جدی صورت گرفت: اول، کسانی که به صورت سازمان‌یافته و توسط عوامل دشمن به دنبال قانون‌شکنی، ایجاد ناامنی و هرج‌ومرج در جامعه هستند [که در نهایت به مقابله با اسلام و حاکمیت منجر می‌شود] و دوم،

کسانی که با آرایش و طرز لباس پوشیدن خود به دنبال فساد و فحشا بوده که این نیز به نوبه خود، بزرگ‌ترین توهین به زن و خانواده به شمار می‌رود.

با این وجود، بی‌حجابی [و عدم برخورداری از پوشش صحیح و اسلامی] به هر علتی که وابسته باشد، [از آنجا که ضررهای بسیاری را عاید فرد و جامعه می‌کند] موجب تاریکی دل انسان می‌شود. [کسانی که می‌گویند مهم نیت پاک و دل پاک است، با گرفتار کردن مردان در کوچه و خیابان چگونه می‌توانند دل پاک خود را حفظ کنند؟] اما بر فرض که نیت و قلب این افراد پاک باشد، فساد و گناهی متوجه آنان نشود و با این نوع پوشش در جامعه غرض جنسی نداشته باشند؛ مردانی که در خیابان آن‌ها را [با حرص و ولع] مشاهده می‌کنند و به یکدیگر نشان می‌دهند از نیت و دل پاک برخوردارند؟ پس اولاً چگونه می‌شود کسی قلب پاکی داشته باشد؛ اما رفتار ناپاکی داشته باشد؟ ثانیاً همه چیز به نیت ارتباطی ندارد. کسانی که می‌گویند: لباس خودم، موی خودم و بدن خودم است و هرگونه که بخواهم حضور پیدا می‌کنم! آیا خیابان هم برای آنهاست؟ خیابان حریم خصوصی نیست که هرگونه خواستند ظاهر شوند.

برخی می‌گویند مردان نباید نگاه کنند! این حرف مانند این است که کسی بگوید من در خلاف جهت رانندگی می‌کنم، بقیه هم باید مراقب باشند با من برخورد نکنند! [درحالی که اولاً مردانی که

دلی بیمار دارند، نگاه خود را هرگز کنترل نخواهند کرد و تنها حجاب است که مانع می‌شود بیشتر در منجلاب گناه غرق نشوند. ثانیاً این سخنی بی‌اساس است که کسی در جامعه مراقب باشد تا چشمانش به هیچ‌عنوان زنان را نبیند. چنین چیزی اساساً امکان ندارد. حضور در جامعه، به معنای برخورد با هرگونه اتفاق و مشاهده ارادی و غیرارادی هر چیزی است که در معرض دید قرار دارد. هر مردی با دیدن غیرارادی یک زنی که دارای پوشش نامناسب است، خواه یا ناخواه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. ثالثاً این سخن، علاج بیماری از طریق رسیدگی به معلول به جای علت است؛ یعنی به جای آن که علت یک مسئله (بی‌حجابی) کشف و نسبت به حل آن اقدام شود، به معلول (نگاه دیگران) توجه شود و این، امری غیرمنطقی و غیرعقلانه است.

[هر چه در مورد علت این معضل در کشور جستجو شود، باز هم اغلب موارد] در نهایت به عدم آموزش، تعلیم و تربیت و آگاهی‌سازی در مورد فلسفه حجاب در محافل مختلف نظیر دانشگاه، مدارس و... منتهی می‌شویم. با نگاه به اوضاع کنونی دانشگاه‌ها و نگاه به سابقه کار روشنگری این موضوع در آن‌ها مشخص می‌شود اولاً هیچ کاری برای حل این مسئله در اذهان جوانان و مردم نشده است. ثانیاً قانون آن هم نه تنها به درستی اجرا نشده؛ بلکه اصلاً اجرا نشده است! بسیار به ندرت در خیابان‌ها مشاهده شده است که پلیس به اصطلاح گشت ارشاد به

این موضوع ورود کرده باشد. اما باید توجه داشت روش اجرای یک قانون و حکم به اندازه خود حکم اهمیت دارد. یعنی اگر بهترین قانون دنیا به شکل نامناسی اجرا شود، صدمه آن از سود آن بیشتر خواهد بود. درحالی که باید در نظر داشت بی حجابی دلایل بسیار متعددی دارد و گاهی ممکن است فرد مجری قانون، به جای آنکه با افراد فاسدی که به صورت سازماندهی شده به دنبال اشاعه فحشا هستند برخوردی نداشته باشد، در مقابل، با افرادی که به هیچ عنوان به دنبال فحشا نبوده و صرفاً به قانون عمل نکرده اند، برخورد نامناسی داشته باشند.

## حجاب قانونی

[آیا امر رعایت حجاب تنها به عقاید انسان مربوط می‌شود؟ آیا کسی که به دستور دینی حجاب اعتقادی نداشته باشد، می‌تواند در جامعه بدون حجاب ظاهر شده و به اجباری بودن آن معترض گردد؟ از آنجاکه حجاب، امری کاملاً دینی بوده و از سوی متدینین مطرح می‌شود، تصور می‌شود که دستور به رعایت آن نیز کاملاً به عقاید و سلیق بازمی‌گردد؛ حال آنکه علاوه بر اینکه دستوری دینی و شرعی است] همچون قوانین دیگر اجتماعی، قانون رسمی کشور به شمار می‌رود. کسی که بر علیه حجاب ایستاده و می‌گوید من حجاب را نمی‌خواهم، در واقع، در مقابل قانون ایستاده است.

در یک جامعه، افراد بسیاری هستند که خیلی از قوانین و مقررات اجتماعی را قبول ندارند و یا اصلاً نمی‌خواهند؛ لکن دلیل نمی‌شود آن را رعایت نکنند. ایستادن پشت چراغ قرمز، قانون است

و کسی نمی تواند بگوید من این قانون را نمی خواهم. آیا اینجا هم باید از توقف اجباری پشت چراغ قرمز سخن گفت؟ پس رعایت قانون حجاب، همچون قوانین دیگر بر همگان الزامی است [و بر حکومت لازم است تا در مقابل قانون شکنان بایستد تا جامعه دچار هرج و مرج نشود]. علاوه بر بُعد قانونی و دنیوی حجاب، قانون آن برگرفته از دستور صریح قرآن کریم است و تمدد از آن [برای کسی که آگاهانه اهمیتی به عاقبت آن نمی دهد و لجوجانه آن را زیر پا می گذارد]، قطعاً عذاب الهی را در پی خواهد داشت و این عذاب شخصی گناه کار در ازای عدم عمل به دستور دین است. اما این تمدد شخصی، روی دیگری دارد که به حق اجتماعی مربوط می شود و دیگران را علاوه بر کشاندن به سوی عذاب اخروی، مشکلاتی نظیر فساد جنسی، تزلزل بنیان خانواده ها، برهم زدن نظم اجتماعی، زائل کردن اخلاق و عفت عمومی و... را نیز به وجود خواهد آورد؛ بنابراین فرد متمدن، اگرچه خود می خواهد به جهنم برود؛ لکن حق ندارد دیگران را نیز با خود به سوی جهنم و نابودی بکشاند.

هر کشور و حکومتی بر اساس مکتبی بنیان گذاری شده است که قوانین آن نیز بر پایه آن مکتب تدوین می شوند. یک کشور اسلامی یا لیبرال، قوانینی دارد که کاملاً متفاوت با کشوری است که بر اساس مکتب دیگری بنا شده است؛ بنابراین، بر مردم آن جامعه لازم است که در برابر

قوانین کشور خود تمکین کرده و بدان پایبند باشند؛ در غیر این صورت، با مجازات قانونی کشور خود مواجه خواهند شد. هر جا قانون باشد، اجبار هم به دنبال آن مطرح می‌شود و نمی‌توان به بهانه‌هایی نظیر آزادی، ریا و امثال آنها، قانون برگرفته از مکتب کشور را زیر پا گذاشت. [البته این، غیر از نقد قانون در محافل علمی و آزاد است که اتفاقاً حق مردم به شمار می‌رود. همگان حق دارند که اگر نقدی بر قوانین و یا نحوهٔ کشورداری مسئولین خود دارند، آزادانه بیان کنند و پاسخی منطقی دریافت کنند.]

ناگفته نماند که بسیاری از کشورها قوانین بسیار سختی برای پوشش و نحوهٔ ظاهرشدن در ملاعام وضع کرده‌اند. قوانینی که حتی برخی خنده‌دار به نظر می‌رسند. هرچند ممکن است برخی بدان عمل نکنند؛ لکن قانونی است که وجود دارد. به‌عنوان نمونه، در بعضی از ایالات آمریکا مانند کارولینای جنوبی، ایندیانا و تنسی قوانینی راجع به منع لباس‌های بدن‌نما و نیمه بدن‌نما وجود دارد؛ تا جایی که پوشیدن شلوارهای افتان در آنجا ممنوع اعلام شده است. برزیل، تا سه سال حبس برای نمایش اجزاء بدن در ملاعام تعیین کرده است. پوشیدن لباس زنانه توسط مردان در استرالیا، بازداشت و مجازات را در پی دارد. پوشیدن صندل لانگشتی در کارپری ایتالیا ممنوع بوده و جرم محسوب می‌شود. پوشش خلاف عفت عمومی در کانادا، طبق ماده ۱۷۳ ممنوع می‌باشد. جویدن

آدامس در خیابان‌های سنگاپور جریمه در پی دارد. کشیدن سیگار در خیابان و اماکن عمومی در ژاپن (جز در کنار سطل زباله) ممنوع است. اینها نمونه‌ای از قوانین کشورهای غیراسلامی است که با توجیه «مصالح اجتماعی» برای عموم وضع شده‌اند؛ حال، برخی به ایران به خاطر داشتن قانون حجاب - که پشتوانه‌ای کاملاً عقلانی و منطقی دارد - ایراد می‌گیرند!

اما آیا می‌توان با برداشتن این قانون و آزادکردن حجاب، نسبت به کاهش بی‌حجابی اقدام کرد؟ برخی می‌گویند اگر قانون حجاب برداشته شود و اجبار و تحمیلی برای آن وجود نداشته باشد، بی‌حجابی به حداقل ممکن می‌رسد؛ زیرا تا زمانی که مردم تحت فشار باشند، می‌خواهند از زیر بار آن رها شوند؛ اما اگر آزاد باشند، با نبود این فشار، دیگر رهایی و بی‌حجابی وجود نخواهد داشت! این سخن مانند آن می‌ماند که گفته شود مواد مخدر در کشور آزاد شود تا تعداد معتادان در کشور کاهش پیدا کند! درحالی‌که امر کاملاً برعکس خواهد بود. بسیار واضح است اغلب افراد جامعه که در حالت عادی به مواد مخدر دسترسی ندارند، از اعتیاد در امان مانده‌اند و اگر دسترسی برای آن‌ها فراهم شود، قطعاً به آن روی خواهند آورد. [پس، کار قانون این است که از اشاعهٔ بدی‌ها جلوگیری کند و حجاب هم قانونی دینی و مدنی است که زیر پا گذاشتن آن و یا

برداشتن آن، نه تنها کمکی به حفظ اخلاق عمومی نخواهد کرد؛ بلکه به بیشتر شدن ظلم و فساد اخلاقی نیز منجر خواهد شد.

از آنجا که برخی، بی حجابان ایران را با محببه‌های کشورهای دیگری که قانون حجاب ندارند مقایسه کرده و نتیجه می‌گیرند که برداشتن قانون حجاب، موجب گسترش حجاب می‌شود، [مقایسه‌ای کاملاً مغالطه‌آمیز است]. با توجه به اینکه سه نوع پوشش برای زنان متصور است (بی حجاب، با حجاب و بد حجاب) باید بی حجاب ایران با بی حجاب کشورهای دیگر مقایسه شود؛ یا به بیان دیگر، حجاب اختیاری ایران با حجاب اختیاری آنجا مقایسه شود تا مشخص شود اتفاقاً بیشترین زنان با حجاب اختیاری - که اگر قانون نباشد یا حتی قانون ضد حجاب باشد، حجابشان را حفظ می‌کنند - در ایران هستند. از سوی دیگر، حجاب کسی که بد حجاب محسوب می‌شود، به مراتب بهتر از کسی است که هیچ‌گونه حجابی ندارد؛ [چراکه اغلب افراد بد حجاب، به دلایل مختلفی غیر از زیر پا گذاشتن قانون و مبارزه با آن به این وضع دچار شده‌اند و نمی‌توان آنان را به راحتی متهم ساخت].

## قانون و اخلاق

حجاب، دستور و حکمی قرآنی است که صریحاً نسبت به آن امر شده است و قانون نیز بر اساس آن، دستوراتی را تعیین و ابلاغ کرده است. اما حجاب، تنها حکم اسلام نیست که قانون مدنی هم برای آن ابلاغ شود؛ بلکه دستورات بسیاری در قرآن و روایات وارد شده است که قانونی برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است. دروغ، حسادت، غیبت و... گناهایی هستند که همچون بی‌حجابی در اسلام از آن‌ها نهی شده؛ اما قانونی برای آن‌ها وضع نشده است.

در این مسئله، باید نسبت میان قانون و اخلاق روشن گردد؛ بدین معنا که اخلاق و قانون، هم شباهتی دارند و هم تفاوتی میان آن‌ها وجود دارد. شباهت آن‌ها در این است که هر دو باید در یک جهت باشند؛ یعنی تمامی قوانین باید به گونه‌ای وضع شوند که ضد اخلاقی نباشند و یا به تعبیر دیگری، قوانین اخلاقی باشند. [همچنین اخلاق هم اقتضا می‌کند که هم به قوانین پایبند

بود و هم قوانینی بر اساس اخلاق وضع نمود. [ نمی‌توان قانونی تصویب کرد که مثلاً افراد حسود، مقداری جریمه شوند؛ زیرا اولاً چنین چیزی امکان ندارد؛ ثانیاً به خاطر ردیلت‌های اخلاقی درونی نمی‌شود کسی را مجازات قانونی کرد. اصلاً اخلاق با کلیشهٔ قانونی قابل اصلاح نیست؛ بلکه می‌بایست با تعلیم و تربیت اصلاح گردد. بلکه این قانون است که باید به اخلاق کمک کند. اما تفاوت قانون و اخلاق در این است که قانون، رفتار انسان‌ها را تنظیم می‌کند و اخلاق، درون انسان‌ها را اصلاح می‌کند.

[تا زمانی که اخلاق، جنبهٔ عمومی پیدا نکرده باشد، نمی‌توان مجازات و قانون بازدارنده‌ای برای آن تعریف کرد؛ اما زمانی که پای حقوق دیگران به میان آید و رفتار ضد اخلاقی کسی باعث ضایع شدن حق دیگری شود، جنبهٔ قانونی پیدا کرده و قوانین اسلام و حتی قوانین مدنی به میدان می‌آیند تا حق دیگران ضایع نگردد. [ مجازات‌های قانونی مانند زندان، ردیلت‌های اخلاقی نظیر حسادت را اصلاح نخواهند کرد؛ بلکه این تهذیب، تعلیم و تربیت صحیح است که می‌تواند آن را اصلاح کند.

از این رو، تفاوت میان گناه و جرم نیز مشخص می‌شود. برخی از گناهان، صرفاً گناه بوده و جرم محسوب نمی‌شوند و مجازات آن‌ها صرفاً توسط خود فردِ خاطی (عذاب درونی در دنیا) و همچنین

در آخرت صورت می‌گیرد. اما برخی از گناهان که علاوه بر جنبه فردی، جنبه عمومی نیز پیدا می‌کنند، باید برای آن‌ها قانون وضع کرد تا بتوان از حقوق دیگران صیانت کرد. حجاب نیز دارای دو بُعد است: یک بُعد آن گناه شخصی است که اگر در حریم خصوصی صورت گیرد، تنها مجازات اخروی را در پی دارد؛ اما اگر در حریم عمومی صورت گیرد، از آنجا که موجب تضییع حقوق دیگران می‌شود، مجازات دنیوی (قانونی) را نیز به دنبال دارد؛ لذا باید برای آن قانون بازدارنده‌ای وضع کرد تا از ارتکاب آن جلوگیری شود.



## ممنوعیت و حرص آدمی!

«الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَىٰ مَا مَنَعَهُ»؛ جمله‌ای است که هرچند برخی آن را روایت می‌دانند؛ اما ظاهراً جمله‌ای مشهور است که از سوی اندیشمندان دینی بیان شده است. [برخی این جمله را دستاویزی قرار داده‌اند تا بگویند مردم اگر از آزادی و بی‌حجابی منع شوند، نسبت به آن حریص‌تر خواهند شد؛ لذا باید آزاد باشند تا این حرص مرتفع شود و جامعه به حالت عادی بازگردد!] این جمله معنا [و مفهوم] خاصی دارد که نباید به اشتباه تفسیر گردد. [برای روشن‌تر شدن این مسئله، پاسخ این برداشت ناصحیح در سه مطلب بیان می‌شود]:

۱. [این جمله، از واقعیتی پرده برمی‌دارد که به یک خصلت بارزی از ویژگی‌های خلقت آدمی اشاره می‌کند. انسان ذاتاً دارای برخی ویژگی‌هایی است که در قرآن کریم به آن‌ها مانند: ضعیف بودن، هلوع بودن و جزوع بودن اشاره کرده است و این عبارت نیز به یکی دیگر از ویژگی‌های

ذاتی آدمی اشاره می‌کند و آن، حریص بودن نسبت به چیزی است که از آن منع می‌شود. چیزی مانند حس کنجکاو‌ی که مایل است از آن سر در آورد و یا دوست دارد بدان دست پیدا کند. اما آیا معنای مطلب این است که نباید آدمی را از برخی امور بازداشت و ممنوع کرد؟ قطعاً چنین نیست؛ بلکه این جمله انسان را نسبت به این خطر متذکر می‌کند و هشدار می‌دهد تا نسبت به اموری که منع می‌شود، بتواند ویژگی حریص بودن خود را کنترل کند تا مبادا آسیبی به او و جامعه برسد.]

۲. [هر چند که این سخن در جای خود صحیح است؛ ولی نباید دست‌آویزی برای برداشتن مرزهای کارهای ممنوع شود؛ مثلاً نمی‌توان برای از بین بردن حرص مردم برای به‌دست آوردن پول و ثروت، تجاوز به اموال دیگران را جایز دانست؛ زیرا برداشتن خط‌قرمزها، موجب حل مشکل نمی‌شود. شهید مطهری: در این باره چنین می‌گوید: «این که می‌گویند: «الانسان حریص علی ما مُنِع منه» مطلب صحیحی است؛ ولی نیاز به توضیح دارد. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم نسبت به آن تحریک شود هم از آن منع شود؛ به اصطلاح، تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند و آنگاه او را ممنوع سازند. اما اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و

ولع هم نسبت به آن کمتر خواهد بود». از این رو؛ برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی‌کند، بلکه بر آن می‌افزاید. در مورد غریزه جنسی و برخی غرایز دیگر، برداشتن قیود، عشق واقعی را می‌میراند ولی طبیعت را هرزه و بی‌بندوبار می‌کند. در این مورد هرچه عرضه بیشتر شود، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد. از یک نوع خاص بی‌عفتی خستگی پیدا می‌شود؛ ولی نه بدین معنا که تمایل به عفاف جانشین آن شود؛ بلکه بدین معنا که آتش و عطش روحی زبانه می‌کشد و نوعی دیگر از فحشا را تقاضا می‌کند و این تقاضاها هرگز تمام شدنی نخواهند بود.

۳. اگر معنای این جمله چنین عنوان شود که نباید انسان را از چیزی ممنوع کرد؛ چراکه مردم نسبت به آن چیزی که قانون آن‌ها را منع کرده حریص خواهند شد؛ باید به این نتیجه رسید که هیچ قانونی در جامعه نباید حاکم باشد [و یا هیچ حکم حرامی از سوی خداوند نباید صادر شود!] استفاده افراطی از این جمله، به نفعی قانون منجر می‌شود [و این، مطلوب هیچ انسان عاقل و هیچ حکومتی نیست].

حجاب، تکریم آن کسی است که در حجاب است.  
حجاب زن، تکریم زن است.  
مسأله حجاب،  
مسأله ای است که اگرچه مقدمه ای است برای چیزهای بالاتر،  
اما خود یک مسأله ارزشی است.  
حجاب، «صدفی» است  
برای حفظ گوهر وجود زن.

که به دنبال ارتباط بیشتر  
مجتان سیدالشهدا (علیه السلام) است...  
قرار نیست مشعر تولید کند.  
قرار است مشعر آینه تولیدات  
و فعالیت‌های شما باشد.  
اینجا، جای آرم هیأت شماست  
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...



نشر هیات امروز

heyatemrooz.ir  
@heyatemrooz\_ir

۰۲۵ - ۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰  
۲ ۰۰۰ ۱۵۴۲  
www.1542.org  
info@1542.org

جامعه ایمانی مشعر،  
محفل است برای گردآمدن  
هیأت‌های کشور،  
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،  
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و  
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی،  
اجتماعی ایمانی و توحیدی است